

۱۳۸۰ / ۱۱ / ۲۵



وزارت اطلاعات
معاونت امور علمی و فرهنگی
تبریز

دانشگاه تهران

دانشکده حقوق و علوم سیاسی

عنوان پایان نامه:

بررسی صلاحیت دادگاه ویژه روحانیت در رسیدگی
به جرائم سیاسی و مطبوعاتی روحانیون

016267

استاد راهنما:

حجة السلام دکتر محسن رهامی

استاد مشاور:

دکتر شکاری

دانشجو:

عبادالله خسروی ناز

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی

شهریور ماه ۱۳۸۰

۳۹۱۵۵

فهرست مطالب

۳	مقدمه
۶	تاریخچه تشکیل دادگاه ویژه روحانیت
۸	فلسفه تشکیل دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت
۱۳	فصل اول: دادگاه ویژه روحانیت حاکمیت و قانون
۱۳	گفتار اول: قانون و حاکمیت در ایران
۱۳	مبحث اول: تعریف قانون
۱۴	مبحث دوم: سلسله مراتب قواعد حقوقی و ضمانت اجرایی آن
۱۵	مبحث سوم: حاکمیت در ایران
۱۹	مبحث چهارم: حاکمیت قانون
۲۰	گفتار دوم: حدود اختیارات حاکم بنابر اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و نظریه ولایت فقیه -
۲۰	مبحث اول: تعریف ولایت
۲۲	مبحث اول: تعریف ولایت
۲۳	مبحث دوم: نظریات مربوط به ولایت فقیه
۲۵	مبحث سوم: حدود اختیارات ولی فقیه براساس قانون اساسی و نظریات فقهی
۳۰	گفتار سوم: آیا دادگاه ویژه روحانیت و جاهت قانونی دارد یا خیر؟
۳۸	فصل دوم: قواعد مربوط به صلاحیت در جرائم مطبوعاتی و سیاسی در محاکم ویژه روحانیت
۳۸	گفتار اول: صلاحیت
۳۸	گفتار دوم: انواع صلاحیت
۳۸	مبحث اول: صلاحیت شخصی
۳۹	مبحث دوم: صلاحیت ذاتی
۳۹	مبحث سوم: صلاحیت محلی
۴۰	مبحث چهارم: صلاحیت اضافی
۴۲	گفتار سوم: جرائم مطبوعاتی
۴۲	مبحث اول: مطبوعه چیست
۴۳	مبحث دوم: تعریف جرم مطبوعاتی
۴۵	مبحث سوم: ارکان تشکیل دهنده جرائم مطبوعاتی
۵۱	گفتار چهارم: تعریف جرم سیاسی و ضابطه تشخیص آن
۵۱	مقدمه: جایگاه جرم سیاسی در طبقه بندی جرائم
۵۲	مبحث اول - تعریف جرم سیاسی
۵۵	مبحث دوم تعاریف موجود در زمینه جرم سیاسی
۵۸	مبحث سوم تعریف جرم سیاسی در قوانین ایران
۶۳	مبحث چهارم
۶۴	مبحث پنجم جرائم وابسته به جرم سیاسی
۶۶	گفتار پنجم: ارکان تشکیل دهنده جرم سیاسی
۶۶	مبحث اول: رکن قانونی
۶۸	مبحث دوم: رکن مادی

۷۳	مبحث سوم: رکن روحانی
۷۷	فصل سوم: نظام خاص رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی در دادگاه ویژه روحانیت
۷۷	مقدمه
۷۸	گفتار اول: اصل علنی بودن محاکمات
۸۱	گفتار دوم: هیأت منصفه
۸۱	مقدمه
۸۹	گفتار سوم: نحوه تشکیل هیأت منصفه و حدود صلاحیت آن
۹۳	گفتار چهارم: حضور هیأت منصفه در دادگاه ویژه روحانیت
۹۷	گفتار پنجم: شرکت وکیل مدافع در دادرسیهای کیفری
۹۸	مبحث اول: شرکت وکیل مدافع در دادرسیهای مطبوعاتی و سیاسی
۹۹	مبحث دوم: حضور یکی مدافع در محاکم و دادگاههای ویژه روحانیت
۱۰۱	گفتار ششم: مستدل و مستند بودن احکام
۱۰۲	مبحث اول: مستدل و مستند بودن احکام در دادگاه ویژه روحانیت
۱۰۳	مبحث دوم: سایر تضمینات
۱۰۶	فصل چهارم: صلاحیت دادگاه ویژه روحانیت در جرائم مطبوعاتی و سیاسی روحانیون
۱۰۶	مقدمه
۱۰۶	گفتار اول: صلاحیت دادگاه ویژه روحانیت در جرائم مطبوعاتی
۱۰۸	گفتار دوم: صلاحیت دادگاه ویژه روحانیت در رسیدگی به جرائم سیاسی
۱۱۳	گفتار سوم: دادگاه ویژه روحانیت و طرح جرم سیاسی
۱۱۴	نتیجه گیری
۱۱۶	پیشنهادات
۱۱۷	منابع فارسی
۱۱۹	پایان نامه‌ها
۱۱۹	روزنامه‌ها و مجلات
۱۲۱	منابع عربی

مقدمه

در یک جامعه منظم باید امکان دادخواهی برای تمام افراد به نحو مطلوب وجود داشته باشد و هر عمل خلاف قانونی یا بی‌نظمی را باعث گردد و یا حقی را تضییع نماید، باید از جانب مرجعی مورد رسیدگی قرار گیرد تا آرامش و امنیت به طور مستمر برقرار باشد و حقوق یک یک افراد محفوظ بماند، در فعالیتهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه را به سمت کمال و شکوفایی سوق دهد و افراد با شادابی و نشاط زندگی را ادامه دهند و اختلافات و منازعات در زمینه های مختلف با سرعت و دقت براساس مقررات حل و فصل گردند. همانگونه که جامعه نیازمند قانون است تا حقوق و حدود همه مشخص باشد و هر کس در مرز قانون حرکت کند، به همان ترتیب به مراجع صالح بی طرف نیازمندا است که انحراف از قانون و تعدی به حقوق دیگران را براساس ضوابط و معیارهای دقیق رسیدگی و تشخیص دهد و همواره جامعه را در حال اعتدال و نظم و امنیت حفظ نماید، تشکیلاتی که در ابتدا بنیان خودش را برای جامعه تعریف کرده باشد.

موضوع مورد بحث در این رساله بررسی صلاحیت دادگاه و دادرسی ویژه روحانیت در رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی می باشد، دادگاه و دادرسی که به عنوان یک نهاد جدید التاسیس قضایی و فوق العاده مهم هم اکنون در سرتاسر کشور با حوزه های قضائی معین مشغول به کار می باشد. بحث و تحقیق پیرامون این موضوع از اهمیت خاصی برخوردار است به جهت اینکه در اینجا نوعی دادرسی ویژه و اختصاصی مطرح است که با توجه به حقوق و آزادیها و نحوه دادرسی به این دسته از جرائم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تبیین جایگاه قانون و حدود صلاحیت و اختیارات آن ضروری می نماید.

حقیقت مطلب این است که مغرب زمینان چهار قرن حکومت ارباب کلیسا را در خاطره خود به یادگار دارند، کل حکومت دینی ارباب کلیسا را می توان به دادگاههای تفتیش عقاید آنها

فروکاست و عدالت اخلاقی، قضایی و قانون شان را در محاکمات عالمان و دانشمندان و به آتش کشاندن آنها نگریست. کششیهایی ملبس به لباس قضاوت به دنبال نیت خوانی و کشف مکنونات قلبی مردم برای صدور حکم و عقاب کردن بودند؛ و تسخیر قلوب را از طریق آرزای جستجو می کردند. اما و هزار اما که تمامی روشن اندیشان در مقابل دادگاه تفتیش عقاید سر فرود نمی آوردند و به گناهان ناکرده و انحرافات عقیدتی (ارتداد) وجود نیافته اعتراف نمی کردند.

مغرب زمینان، رفته رفته با مشاهده عملکرد استبداد دینی و زندگی در «زیست - جهان» ارباب کلیسایی، بند ناف خود که متصل به حکومت ارباب کلیسا بود - را قطع کردند و به طور طبیعی به این نتیجه رسیدند، که کار آسمان را به کلیسا و کار زمین را به قیصر واگذارند. جدایی دین از سیاست در مغرب زمین نتیجه منطقی عملکرد ارباب کلیسا بود. کلیسائیان هیچ گاه به عواقب و پیامدهای ناخواسته افکار و رفتار خود نمی اندیشیدند و نمی دانستند که دادگاههای تفتیش عقاید و خشونت در لوای دین چه نتایج شگرفی در پی دارند.

در کشور خود ما نیز متأسفانه دستگاه قضایی با فاصله گرفتن و نادیده انگاشتن تجربیات مکتسبه در شیوه دادرسی که طی مدتی بیش از نیم قرن و براساس مطالعات تطبیقی در سیستم های حقوقی و دادرسی موجود در دنیا فراهم آمده است مشکلات عدیده ای را تحمل نموده، در موارد متعدد هنوز مرحله آزمایشی و خطا را تجربه می نماید.

مسئله مورد بحث در این رساله این است، دادگاههایی با این کیفیات آیا در خصوص جرایم سیاسی و مطبوعاتی صلاحیت رسیدگی را دارند. در مباحثی که به ترتیب ذکر خواهد شد جواب بدین سوال از نقطه نظر نگارنده بیان خواهد گردید.

هدف از ارائه این پایان نامه، نظر به کیفیت تصویب و محتویات و نیز چگونگی اجرای آئین نامه و تشکیلات این دادگاه که در تاریخ ۶۹/۵/۱۴ به تصویب مقام معظم رهبری رسیده است مطالعه و بررسی نقادانه آن ضروری می نماید.

تردیدی نیست که چنین اقدامی و نیز رهنمون‌ها و اضهار نظر اساتید و علمای حقوق و قضات بصیر و آگاه وکلای اندیشمند تأثیری به سزا داشته در اصلاح و تصویب قوانین مربوطه و بنیان نهادن یک دادگستری صحیح و آبرومند با کمترین عیوب و نواقص، موثر خواهد افتاد و در هر حال انسان از اینکه تکلیف وجدانش را ادا نموده احساس آرامش خواهد نمود.

بدین سبب مصمم گردیدم با استفاده از منابع اندک موجود و با اتکال بر خداوند بزرگ پایان نامه خود را به این موضوع اختصاص دهم. از بیان منابع مورد استفاده، آئین نامه تشکیل دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت از اهمیت ویژه ای برخوردار بوده و به علاوه از طریق مراجعه به مطبوعات و گردآوری مصاحبه های به عمل توسط برخی از مسئولین این دادگاه، بیانه ها و برخی اقلام صادره که در روزنامه ها منتشر گردیده است و نیز مطالعه کتب حقوق و فقهی و آئین دادرسی کیفری و مدنی و نیز مجموعه قوانین موجود و جزوات درسی مجلات و تقریر اساتید ارجمند خود به خصوص با بهره مند شدن از راهنماییهای ارزشمند جناب حجت الاسلام رهامی که سمت استاد راهنما را در فراهم نمودن این رساله داشته اند، سعی در غنی نمودن اطلاعات و معنومات خود را در این زمینه نموده ام.

تاریخچه تشکیل دادگاه ویژه روحانیت

هسته اولیه دادگاه ویژه روحانیت در اوایل سال ۵۹ و با اصرار تعدادی از اساتید حوزه و بزرگان روحانی به عنوان بخشی از دادگاه انقلاب قم آغاز به کار نمود.

بحث بر روی ضرورت تشکیل دادگاهی مستقل تا پایان تابستان ۱۳۶۰ با تحلیلها و پیشنهادات بسیاری روبرو بوده سرانجام پس از مشورتهای مکرر با علمای حوزه و مسئولین قضائی از اوایل مهرماه ۶۰ به عنوان یک دادسرای مستقل زیر نظر دادستانی کل انقلاب به فعالیت خود ادامه داد. در همین راستا در تاریخ ۶۰/۱۲/۲ از سوی دادستانی کل انقلاب جمهوری اسلامی، بخشنامه ای به دادسراها و دادگاههای انقلاب سراسر کشور ارسال گردید که رسیدگی به پرونده روحانیون را به این دادسرا محول نمایند.

در واقع دادستانی کل انقلاب با صدور این بخشنامه، دادگاه ویژه روحانیت را تنها مرجع صلاحیتدار جهت رسیدگی به پرونده روحانیون دانست. در حالی که دادگاه ویژه روحانیت به عنوان بخشی از دادگاه انقلاب به کار خود ادامه می داد. دیدگاهها و نظرات مختلفی نیز پیرامون دادگاه ویژه مطح می شد و در این میان حضرت امام (ره) به دادگاهی مستقل برای روحانیت عنایت داشتند. به همین دلیل از سال ۶۴ به بعد مذاکرات زیادی با حضور مسئولین طراز اول نظام، رئیس دیوانعالی کشور و اعضای این شورا و نیز قضات و افرادی که مایل به همکاری با این دادگاه بودند صورت گرفت. حاصل این نشست ها این شد که در مرحله اول این دادگاه در تهران، قم، اصفهان، تبریز، مشهد و شیراز تشکیل گردد^۱. از سوی دیگر شورای عالی قضائی نیز در فروردین ماه ۶۱ طی بخشنامه ای مقرر داشت که در صورت درخواست دادسرای ویژه روحانیت باید هر پرونده ای که خواسته شده به آن مرکز ارسال گردد^۲.

۱- روزنامه کیهان، ۶۶/۴/۱۶

۲- نشریه دادستانی انقلاب، مرداد ۱۳۶۱

شایان ذکر است که در این مقطع دادگاه ویژه شامل دو قسمت بود یکی دادگاه ویژه روحانیت و دیگری دادگاه انتظامی قضات، وظیفه دادگاه ویژه روحانیت مربوط به کارهای خلاف روحانی نمایان اعم از کارهای ضد انقلابی یا خلاف شئون روحانیت می شد. دادگاه انتظامی قضات تا قبل از فرمان امام (ره) به تخلفات قضات اعم از قضات شرع دادگاههای انقلاب و دادستانها و نماینده های دادستانهای دادرای انقلاب و دادیارها و بازپرسها خواه روحانی یا غیر روحانی رسیدگی می کرد. بعد از فرمان امام (ره) که شکایتها زیاد شده بود دادگاه انتظامی قضات نیز به دو شعبه تقسیم می گردد^۱. به دنبال مباحث انجام شده، حضرت امام (ره) در تاریخ ۲۳ ۶۶۳ طی دو حکم جداگانه حجت الاسلام علی رازینی را به سمت حاکم شرع دادگاه ویژه روحانیت و حجت الاسلام فلاحیان را با حفظ سمت به عنوان دادرای ویژه روحانیت منصوب نمودند^۲. همچنین در این حکم حضرت امام از شورای عالی قضائی خواستند که در زمینه صدور ابلاغ قضات دادگاه و دادرای و تامین نیرو و امکانات لازم، کمال مساعدت را بکنند. همچنین کلیه دادگاهها و دادرایها را موظف نمودند تا پرونده های درخواستی در حدود اختیارات این دادگاه و دادرای را ارسال دارند.

بدین ترتیب کار رسیدگی به پرونده ها در این دادرای به صورت رسمی از روز چهارشنبه ۶۶/۴/۱۷ در تهران آغاز شد و اعلام شد که دادرای مستقل در شهرستانهای ذکر شده بزودی فعالیت خود را آغاز خواهند کرد^۳.

۱- مصاحبه رئیس دادگاه انقلاب اسلامی مستقر در حوزه علمیه قم ویژه روحانیت

۲- صحیفه نور، ج ۲، ص ۹۶ و ۹۷

۳- روزنامه اطلاعات، ۷۰/۷/۱۰

فلسفه تشکیل دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت

هدف از تشکیل این دادگاه را می توان از عبارت ماده یک آئین نامه دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت به فراست دریافت نمود. «به منظور پیشگیری از نفوذ افراد منحرف و تبهکار در حوزه های علمیه، حفظ حیثیت روحانیت و به کیفر رساندن روحانیون متخلف، دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت تحت نظارت عالیه مقام معظم رهبری با وظایف و تشکیلات و اختیارات زیر ایجاد می گردد.

معمولاً تا زمانی که مصالح و موارد خاص و ضروری وجود نداشته باشد، قانونگذار مبادرت به تاسیس دادگاههای اختصاص نمی نماید. بنابراین لزوم تاسیس محاکم اختصاصی یا به دلیل اهمیت و نوع جرم می باشد و یا به دلیل شخصیت خاص مرتکب جرم و یا به دلیل پیچیدگیهای خاصی که در رسیدگی به این نوع از جرائم، تاسیس محاکم ویژه ای را می طلبد، به عنوان مثال در مورد تشکیل دادگاههای اطفال یا خانواده، اهمیت حفظ کانون خانواده و تخصص لازم در علوم تربیتی و روانشناسی، ضرورت تشکیل این دادگاهها را نمایان ساخته است. نهاد روحانیت نیز نظر به گذشته و قدمت دیرینه ای نه تنها در ایران و جهان اسلام بلکه از بدو پیدایش بشر داشته است همواره مورد تکریم و به عنوان موجودی مقدس به مظهر وجدانیات و اعتقاد دینی مردم و در عین حال یگانه مرجع صالح و قابل اعتماد برای بیان احکام مذهبی بوده است. علاوه بر موقعیت و جایگاه و بایگانه اجتماعی این نهاد از نظر سیاسی نیز همچنان که مشهود است در راس انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته است. از طرف دیگر با سهولت امر، ورود در سلک روحانیون، احتمال نفوذ عناصر غیر صالح و احیاناً فاسد در میان این نهاد، جامعه را در معرض تهدید قرار می دهد.

امام را حل نیز در احکام خود علاوه بر ضرورت وجود این مرجع قضایی به فلسفه و علل تشکیل آن نیز بدین گونه اشاره فرمودند.

۱- حفظ شئون روحانیت

۲- رسیدگی به جرائم روحانی نمایان و دین به دنیا فروشان

۳- جلوگیری از فشارهای جانبی از طرف هر شخص و شخصیت برای انجام این وظیفه
خطیر در موارد فوق^۱. در خصوص ضرورت تشکیل محکمه ای ویژه برای رسیدگی به
این قشر خاص و ذی نفوذ در جامعه نمی توان به گونه ای مفصل در این مقال به آن
پرداخت ولی همانگونه که در بحث پیشینه تاریخی نیز عنوان گردید، پس از پیروزی
انقلاب، با توجه به مشکلاتی که در دادگستری وجود داشت به منظور رسیدگی به جرائم
عناصر ضد انقلاب و سران و کارگزاران رژیم گذشته داسرا و دادگاههای انقلاب تشکیل
گردیده ولی ضروریاتی همچون موقعیت اجتماعی و سیاسی روحانیت و نیز رسیدگی
صحیح به جرائم روحانیون که مستلزم آشنایی کافی با خصوصیات ایشان و نیز موقعیت
و وضعیت قوه قضاییه، ایجاب نمود که محاکمی برای رسیدگی به این قشر خاص ایجاد
گردد در این پایان نامه، ایرادات خود را به نحوه تشکیل این دادگاه وارد دانسته و در
خصوص فلسفه تشکیل این دادگاه به بحث و بررسی پرداخته شده است.

ایرادات وارد بر تشکیلات دادگاه ویژه روحانیت خود به دو دوره زمانی تقسیم می گردد.
دوره ای که بر می گردد به سالهای اولیه تأسیس این دادگاه، و دوره دوم، که از نیمه دوم سال ۷۰
به بعد آغاز می شود بدنبال احضار و بازداشت موسویان مدیر مسئول روزنامه خراسان در سال ۷۰
به جرم تشویش اذهان عمومی از طریق بیان و نشر مطالب کذب، انتشار مقاله آفتاب آمد دلیل
آفتاب و القاء شبهه نسبت به بیانات مقام معظم رهبری، درج مطالب غیر علنی داسرا و دادگاه
ویژه در پرونده رضا صابری و مهدی هاشمی، تخلف از تعهد و نقص ماده ۳۱ قانون مطبوعات،
چهار فقره نشر اکاذیب، اولین اعتراض علنی علیه دادگاه ویژه صورت پذیرفت. معترضین، که

۱- صحیفه نور، ج ۲، ص ۹۶ و ۹۷

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، برخی نمایندگان مجلس و برخی روزنامه‌ها بودند، به عدم صلاحیت دادگاه در رسیدگی به جرم مطبوعاتی مدیر مسئول روزنامه خراسان و غیر علنی بودن دادگاه اعتراض داشتند. دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت نیز با انتشار بیانیه‌ای اعلام نمود و مبنای مشروعیت این مرجع قضایی را حکم حضرت امام و ولایت فقیه با توجه به اصول ۴ و ۵۷ قانون اساسی و آئین رسیدگی در دادسرا و دادگاهها بر طبق موازین اسلامی و دستورالعملهای ابلاغ شده از سوی حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری دانست. در ادامه این بیانیه آمده است، که با توجه به مبانی فوق دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت، نسبت به پیگیری هر نوع تخلف روحانیون از جمله تخلفات و جرائم مطبوعاتی آنان صلاحیت دارد و در شیوه رسیدگی نیز در خصوص انتخاب وکیل، هیأت منصفه و امثال آن از مقررات خاص خود پیروی کرده منظم به رعایت قوانین حاکم بر سایر محاکم نمی‌باشد.^۱

دوره دوم انتقادات که تا این زمان نیز همچنان ادامه دارد، با اعتراض به دستگیری آقای اسد... بیات به جرم کلاهبرداری توأم با جعل و فروش مال غیر صورت پذیرفت برخلاف گذشته مبانی و اساس تشکیل و تأسیس این مرجع قضایی مورد سوال و تفکیک قرار گرفت. مجمع مدرسین و محققین در حوزه علمیه قم در بیانیه‌ای عنوان کرد که «بیات در دادگاهی محاکمه شده که روش و آئین دادرسی آن از مجاری قانونی به تصویب نرسیده است»^۲. در قسمتی از بیانیه مجمع نمایندگان ادوار مجلس آمده است، که دادسرای ویژه روحانیت از جمله نهادهای غیر قانونی می‌باشد.^۳ انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تربیت معلم تهران با صدور بیانیه‌ای ضمن انتقاد از عملکرد قوه قضاییه و دادگاه ویژه روحانیت، این مرجع قضایی را به جهت رفع شرایط

۱- روزنامه اطلاعات ۷۰/۷/۱۰

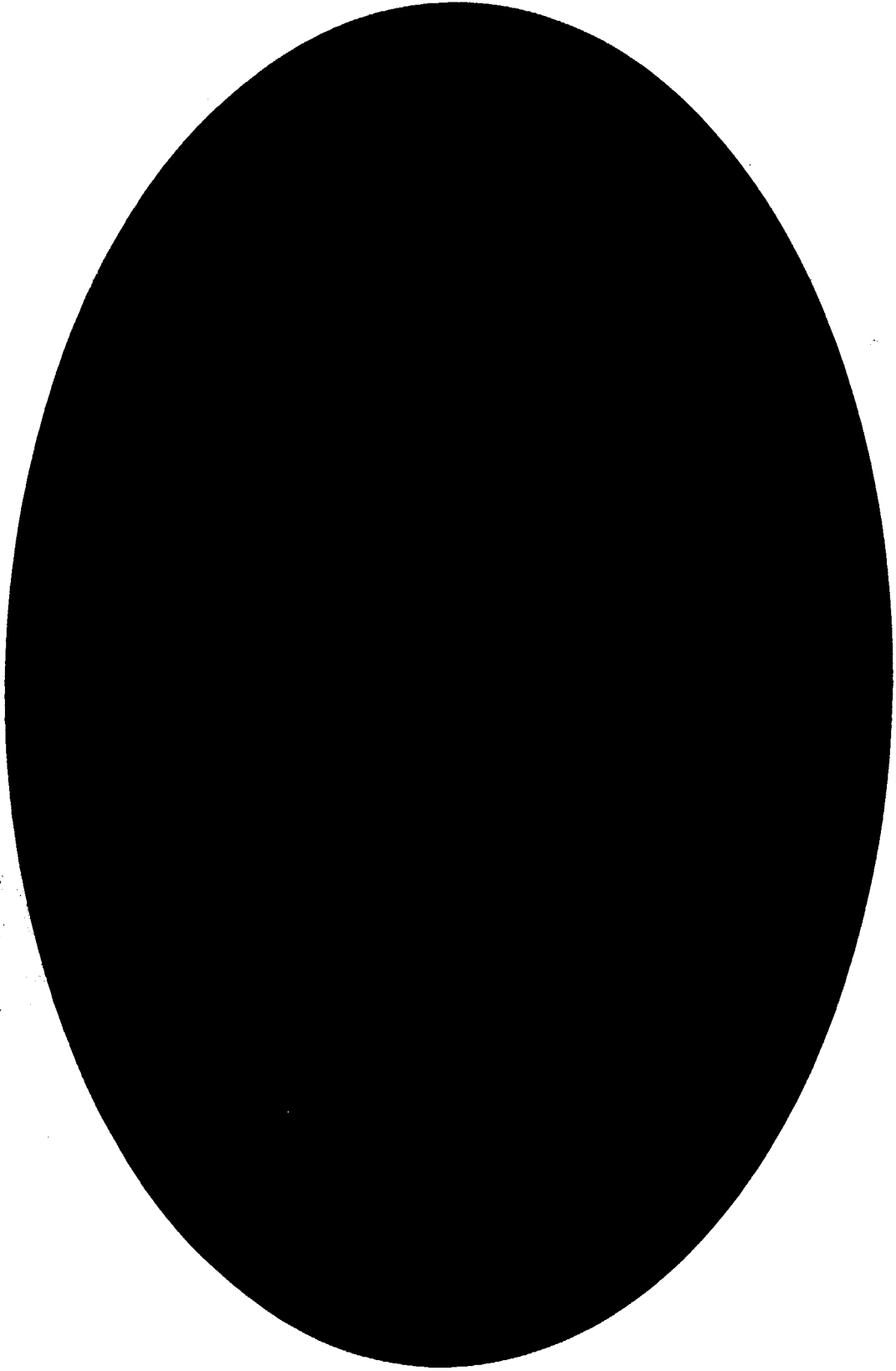
۲- صبح امروز، ۷۷/۱۰/۲

۳- آریا، ۷۷/۱۰/۳

زمانی و مکانی دوران حضرت امام (ره)، غیر ضروری اعلام کرد.^۱ یک مدرس دانشگاه اعلام کرد که دادگاه ویژه روحانیت توجیه قانونی ندارد و^۲ در اواخر سال ۷۷ به دنبال احضار و بازداشت محسن کدیور به داسرای ویژه روحانیت به اتهام تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی و نشر اکاذیب و تشویش اذهان عمومی (به موجب مواد ۵۰۰ و ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۷۵/۳/۶) مطبوعات داخلی و خارجی و جریانات سیاسی داخلی و خارج از کشور موجی از انتقادات و ایرادات را بر دستگاه قضایی و تشکیلات این دادگاه به وجود آوردند که در وضعیت فعلی نیز این انتقادات همچنان ادامه دارد.

۱- سلام، ۷۷/۱۰/۳

۲- خرداد، ۷۷/۹/۱۹



فصل اول: دادگاه ویژه روحانیت حاکمیت و قانون

گفتار اول: قانون و حاکمیت در ایران

مبحث اول) تعریف قانون

کلمه قانون که گفته می‌شود مأخوذ از اصل لاتینی (Canon)^۱ یا معرب از اصل یونانی (Kanon) است در لغت به معنی اسم، دستور و حکم، مقیاس، مقررات موضوعه شرعی و مجموعه کتب مذهبی مورد قبول کلیسا و غیره می‌باشد. در اصطلاح علم حقوق، قانون دستور العملی کلی و دائمی است که برای اداره و انتظام امور جامعه توسط مقام صلاحیتدار وضع می‌شود. این تعریف معنی عام قانون را بیان می‌کند و کلیه مقررات موضوعه اعم از قانون اساسی^۳، قانون عادی مصوب پارلمان، تصویب نامه^۴ آئین نامه^۵ و بخشنامه^۶ را شامل می‌شود. قانون به معنی خاص آن به مقررات مصوب پارلمان یا قوه مقننه گفته می‌شود که طی تشریفات خاصی با نام قانون وضع و منتشر می‌گردد. قانون در این معنی مقررات مصوب قوه مجریه یعنی تصویب نامه، آئین نامه و بخشنامه را شامل نمی‌شود.

۱- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، انتشارات گنج دانش، سال ۱۳۶۲، ص ۵۱۷.

۲- گرجی، ابولقاسم، مقالات حقوقی، ج ۲، ص ۲۷۳.

۳- قانون اساسی: مجموعه قواعد و مقرراتی است که حاکم بر اساس حکومت و صلاحیت قوای مملکت و حقوق و آزادیهای فرد و جامعه و روابط فی مابین آنها است. نقل از: شعبانی، قاسم، حقوق اساسی ص ۳۰.

۴- تصویب نامه: مقررات کلی یا جزئی مصوب هیات وزیران است، اعم از اینکه آئین نامه یا غیر آن باشد.

۵- آئین نامه: دستورالعملهای کلی است که از جانب مقام اجرایی صلاحیتدار برای اجرای قانون و تسهیل در انجام وظایف اداری وضع می‌گردد.

۶- بخشنامه: دستورات کلی یا جزئی مقام صالح اداری است که برای تسهیل در اجرای قانون، تصویب نامه و آئین نامه کتباً به مرووسین ابلاغ می‌شود.

مبحث دوم: سلسله مراتب قواعد حقوقی و ضمانت اجرای آن

بین قواعد و مقررات حقوقی نوعی سلسله مراتب حکمفرماست که به موجب آن قانون اساسی، قانون عادی، تصویب نامه، آئین نامه و بخشنامه به ترتیب یکی بعد از دیگری قرار می‌گیرند یعنی قواعد فروتر باید از قواعد ما فوق خود پیروی نمایند. به همین دلیل در قانون اساسی جمهوری ایران اصول متعددی (اصول چهارم، هفتم، دوم، هشتم و پنجم، نود و یکم تا نود و نهم و ...) به منظور نظارت بر عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با قانون اساسی و احکام اسلام و نیز تفسیر قانون و سایر موارد، شورایی به نام شورای نگهبان پیش‌بینی و مقرر گردیده است.

به عبارتی مرجع تشخیص خلاف قانونی اساسی یا شرع بودن قوانین مجلس با شورای نگهبان است ولی در مورد خلاف قانون اساسی بودن آئین نامه‌ها و بخشنامه‌ها و سایر مصوبات هیأت وزیران مطابق اصل یکصد و سی هشتم قانون اساسی و نیز ماده واحد مصوب ۲۶ دی ماه ۱۳۶۸ با رئیس مجلس است که در صورتی رئیس مجلس آنها را خلاف قانون بیابد جهت تجدید نظر به هیأت وزیران عودت می‌دهد.

ماده واحد «تصویب نامه‌ها و آئین نامه‌های دولت و مصوب کمیسیون‌های مذکور در اصل یکصد و سی و هشتم و نیز مصوبات موضع اصل ۸۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به اطلاع مجلس شورای اسلامی می‌رسد در صورتیکه رئیس مجلس آنها را خلاف قانون تشخیص دهد، نظر خود را با ذکر دلیل به دولت اعلام می‌نماید چنانچه این قبیل مصوبات بعضاً یا کلاً خلاف قانون تشخیص داده شوند حسب مورد هیأت وزیران و یا کمیسیون مربوطه مکلف است ظرف یک هفته پس از اعلام نظر رئیس مجلس نسبت به اصلاح مصوبه اقدام و پس از دستور فوری توقف اجرا را صادر نماید.